



## أين الزاد يا مسافر؟

□ يا هذا ، عَقْلُكَ يَدْعُوكَ إِلَى التَّوْبَةِ وَهَوَّكَ يَمْنَعُ وَالْحَرَبُ بَيْنَهُمَا . فَإِنْ جَهَّرْتَ جَيْشَ عَرْمٍ ، فَرَّ الْعَدُوُّ .  
تَنْوِي \* قِيَامَ اللَّيْلِ فَتَنَمُّ وَتَحْضُرُ مَجِلسَ الْوَعْظِ فَلَا تَبْكِي ، ثُمَّ تَقُولُ : مَا السَّبَبُ؟! قُلْ : هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنفُسِكُمْ ﴿١﴾  
عَصَيْتَ بِالنَّهَارِ فَنِمْتَ بِاللَّيْلِ . أَكْلَتِ الْحَرَامَ فَأَظْلَمَ قَلْبِكَ .

- إذا غير المِسْكُ<sup>\*</sup> الماء مِنْعَ الوضوءِ، فكيف بالنجاسةِ؟!
- أكثر فساد القلب من تخليط العينِ. مادام باب العين مُحكماً بالغضّ<sup>\*</sup>  
فالقلب سليمٌ من آفةٍ. فإذا فتح الباب طار طائرٌ و ربما لا يعودُ.
- واعجباً<sup>\*</sup> عليك! تَعُدُ التَّسْبِيحَ سُبْحَةً<sup>\*</sup>. فهلا جعلت لعنة المعاishi سُبْحَةً<sup>\*</sup>  
أخرى؟! يا من يختار الظلام على الضوءِ. الدبابةُ<sup>\*</sup> أعلى همةً منك. إذا أظلمَ البيت  
خرج الدبابة إلى الضوءِ.
- عليك بتَدْبِيرِ دينِك كما دَبَرْتَ دنياك. لو علِقَ<sup>\*</sup> ثوبك بِمسمارٍ رَجَعتَ  
إلى الوراءِ لتخلصِيه<sup>\*</sup>. هذا مسمار الإصرار قد شَبَّثَ<sup>\*</sup> بقلبك. فلو عُذْتَ إلى النَّدِمِ  
خُطوتَينِ<sup>\*</sup> تخلَّصْتَ.
- لابدَّ مِن عَرْمٍ يُؤْخَدُ بالحرْمِ. مَن رَقَ<sup>\*</sup> لِبُكَاءِ الطَّفْلِ لَم يَقْدِرْ عَلَى فِطَامِهِ<sup>\*</sup>.
- المعاishi سُمٌّ و القليل منه يَقْتُلُ. الدنيا وراءك والأخرى أمامك. والطلب  
لما وراءك هَرِيمَةً<sup>\*</sup>.
- وَيُحَكَّ! دُغ مَحَبَّةَ الدُّنْيَا، فَعَابِرُ السَّبِيلِ لا يَتَوَطَّنُ<sup>\*</sup>.
- واعجباً! تَضيِّعُ منك حَبَّةً<sup>\*</sup> فتبكي وقد ضاع عمرك وأنت تَضَحَّكُ. إنقضى  
العمر في خدمة البَدَنِ وحوائج القلب كُلُّها واقفةً.
- والله ليس إخوه يوسف لما باعوا يوسف بِشَمِّنِ بحسِّ أَعْجَبَ منك؛ لما  
بِعْثَ نَفْسَكَ بِمَعْصِيةِ ساعِهِ.
- جَسَرْتَ عَلَى المعاishi فَانْقَلَبْتَ عَلَى «الْجَيْمِ» النقطةِ.  
أيُّها المسافر بلا زادٍ، لا راحلةَ<sup>\*</sup> ولا جوادَ<sup>\*</sup>.
- أيُّها الزارعُ، قَدْ آنَ<sup>\*</sup> الْحِصادُ<sup>\*</sup>.

### البلاغة (۳)

## علم البدیع «الجناس، الطلاق والسبع»

دانستیم که :

- علم معانی به معنای جمله و مطابقت آن با حال مخاطب می‌پردازد.
- علم بیان از شیوه‌های مختلف برای اظهار یک معنای واحد، بحث می‌کند.

اما در علم بدیع با شیوه‌های تحسین (زیباسازی) کلام آشنا می‌شویم. این محسّنات، برخی به لفظ و برخی به معنی مربوط است.

### الف) محسّنات لفظی

#### ۱- الجناس

به عبارات فارسی زیر توجه کنید :

- برادر، که در بند خویش است، نه برادر، نه خویش است.
- بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

چه کلماتی دو بار تکرار شده‌اند؟

آیا کلمات مشترک، معنای واحدی نیز دارند؟

این زیبایی لفظی در علم بدیع، «جناس» نام دارد.

در جناس، حروف دو کلمه از یک جنس است ولی هر کدام برای خود معنای خاصی دارند.

﴿وَيَوْمَ تَقُومُ الساعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِنُوا﴾  
روزی که قیامت بر پا شود، بدکاران سوگند می‌خورند که جز ساعتی درنگ نکردند.

با توجه به ترجمه آیه کریمه،

جناس را معین کنید :

به این نوع جناس که دو کلمه در عدد، حرکات، نوع و ترتیب حروف، یکسان هستند «جناس تام» می‌گویند.  
۱۶۰

اکون در این آیه کریمه  
«جناس» را معین کنید :

﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِنْ نَاضِرٌ إِلَى رَبّهَا نَاظِرٌ﴾  
در آن روز چهره‌هایی شاداب‌اند، به سوی  
پروردگار خود می‌نگرند.

گاهی تجانس دو کلمه در عدد، حرکت، نوع و ترتیب حروف، کامل نیست. به این  
نوع جناس «جناس ناقص» می‌گویند.

## ۲ – السَّجْع

به عبارات فارسی زیر توجه کنید :

هر چشمۀ زاینده است و دولت پاینده.

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

– عبارات فوق را برای بار دوم و سوم نیز بخوانید.

– آیا در خواندن آن شیرینی احساس نمی‌کنید؟

این شیرینی و زیبایی، ناشی از انسجام و تعادل هندسی  
کلمات است.

این فن در علم بدیع «سجع» نامیده می‌شود.  
سجع، توافق کلمات آخر جمله‌ها در کلام، بر حرف یا  
حروفی واحد است. که در قرآن کریم به آن «فاصله» گویند.

بدانیم

﴿إِنَّ أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْتَرَ﴾

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحِرْ﴾

﴿إِنْ شَاءَنَّكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾

## ب) مُحَسّنات معنوی

### الطباق

به آیه کریمه توجه کنید :

﴿جاء الحق و زَهَقَ الْباطلُ﴾

- دو کلمه «الحق» و «الباطل» را از جهت معنی با یکدیگر مقایسه کنید.
- چه ارتباطی بین دو کلمه وجود دارد، شباهت یا تضاد؟

### بدانیم

یکی از زیبایی‌های کلامی، به کاربردن کلماتی است که با یکدیگر «متضاد»‌اند. به این فن در علم بدیع «طباق» می‌گویند.

مانند : ﴿هُوَ الْأَقْلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ﴾  
﴿فَعِنَدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾



## کارگاه ترجمه

خلاصه :

- ۱- تمامی قواعدی را که می آموزیم، در خدمت فهم و ترجمه عبارت‌ها قرار دهیم
- ۲- برای ترجمه دقیق به زمان جمله‌ها، ضمایر، اسم‌های اشاره و مرفوعات و منصوبات موجود در جمله دقت کنیم
- ۳- ترجمه‌هایمان را همیشه روی کاغذ بنویسیم و آن را اصلاح کنیم
- ۴- برای یادگیری ترجمه، روش ترجمه تحت اللفظ روان را مدان نظر قرار دهیم

\*\*\*

متن زیر را بخوانید و پس از پاسخ دادن به سوالات، آن را ترجمه کنید :

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (آل‌آل‌الله/۸)  
**جائت الآية الكريمة في الحَت على عمل الخير مَهْما قَل وَصَغُر، والاجتناب عن**  
**عمل الشَّر مَهْما قَل وَصَغُر.**

إِنَّ الْمَرْءَ يَجِدُ جُمِيعَ مَا عَمِلَهُ مِنْ خَيْرٍ وَشَرٍ حَاضِرًا أَمَامَهُ.

﴿وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حاضرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ (الكهف/۴۹)

فتبيني للمسلم أن يجتنب المعصية مَهْما صَغُرْتْ؛ لِأَنَّهُ رَبِّيما افْتَرَنَتْ بغضِّ اللَّهِ –  
**جل جلاله – و الحُسْرَانِ المُبِينِ.** وكذلك ينبغي له أن يَقُومَ بِعَمَلِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَانَ بِسِيَطًا،  
**لِأَنَّهُ رَبِّيما افْتَرَنَ بِالْقَبُولِ فَيَفْوَزُ بِذَلِكَ الْعَالِمُ وَيَقْرُبُ إِلَى رَضْوَانِ اللَّهِ.** «إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

\*\*\*

أسئلة :

□ معنى المفردات :

الف - الحَت :	پرهیز
ب - مَهْما :	اما
ج - يَنْبُغِي :	دور است
د - العَالِمُ :	کارگر
○ مقدار	○ تشويق
○ هر چند	○ هر وقت
○ شایسته است	○ بِنِيَازِ است
○ انجام دهنده	○ فاعل

□ عینِ الصحيح :

○ في إجتناب المعصية : الحُسْرَانِ المُبِينِ ○ غَصَبُ اللَّهِ ○

□ عینِ الخطأ :

○ عملُ الْخَيْر مقبولٌ ○ مَهْما قَل ○ وَلَوْ كَانَ ظُلْمًا ○



### التمرين الأول

عَيْنِ الْجَنَاسِ وَ اذْكُرْ نَوْعَهُ (الثَّامِنُ أَوِ النَّاقِصُ) :

- ١- ﴿فَإِنَّمَا الْيُتَيمَ فِلَّا تَفْهَمُهُ وَ أَمَّا السَّائِلُ فَلَا تَنْهَهُ﴾
- ٢- الْجَهْلُ يُزِيلُ الْقَدْمَ وَ يُورِثُ النَّدَمَ.
- ٣- دَوْلَةُ الْبَاطِلِ سَاعَةٌ وَ دَوْلَةُ الْحَقِّ حَتَّى قِيَامِ السَّاعَةِ.
- ٤- وَرَدَ الرَّبِيعُ فَمَرَحَّاً بِوْرُودِهِ وَ بِنُورِ بَهْجَتِهِ وَ نُورُ وُرُودِهِ.



### التمرين الثاني

عَيْنِ الطَّبَاقِ :

- ١- ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾
- ٢- ﴿أَللَّهُمَّ ... تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ شَاءَ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ شَاءَ وَ تُعِزُّ مَنْ شَاءَ وَ تُنْدِلُ مَنْ شَاءَ﴾
- ٣- مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوةُ الْآخِرَةِ وَ حَلَاوةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ.
- ٤- حَقٌّ يَضُرُّ خَيْرًا مِنْ باطِلٍ يَسُرُّ.



### التمرين الثالث

عَيْنِ السَّجْعَ :

- ١- مَنْ سَمِعَ إِلَى النَّصِيحَةِ سَلِيمٌ مِنِ الْفَضِيْحَةِ.\*
- ٢- الْعُقْلُ زِينَةُ الْإِنْسَانِ وَ الصِّدْقُ أَمَانَةُ اللِّسَانِ.
- ٣- أَطْعِ أَخَاكَ وَ إِنْ عَصَاكَ وَ صِلْهُ وَ إِنْ جَفَاكَ.
- ٤- إِنْ لِلتَّقْوَى عَلَامَاتٍ : الْخَوْفُ مِنِ الْجَلِيلِ وَ الْعَمَلُ بِالْتَّنْزِيلِ وَ الْقَنَاعَةُ بالْقَلِيلِ وَ الْإِسْتَعْدَادُ لِيَوْمِ الرَّحِيلِ.\*

## التمرين الرابع

أجب عن الأسئلة :

- قال حكيمٌ لشَّخصٍ يُستَكثِرُ مِنَ الْعِلْمِ وَلَا يَعْمَلُ بِهِ : يَا أخِي، إِذَا أَفْنَيْتَ  
عُمرَكَ فِي جَمِيعِ السَّلَاحِ فَمَتَى تُقَاتَلُ؟!
- ١- هل يُفَيِّدُ الْعِلْمُ دُونَ الْعَمَلِ بِهِ؟
  - ٢- بِمَ شُبِّهَ الْعِلْمُ؟
  - ٣- شَكَّلَ مَا أُشِيرُ إِلَيْهِ بِخَطٍّ :

## التمرين الخامس

لِلإعراب و التَّحْلِيل الصرفي (على حسب ما قرأناه من القواعد حتى الآن) :

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَر﴾

الإعراب	التحليل الصرفي	الكلمة
		إنَّ
		سَنَا
		أَعْطَيْنَا
		كَ
		الَّ
		الْكَوْثَر

## التمرين السادس

عَيْنُ المُرَادُ وَالْمُضَادُ : (=, ≠)

ضَاعَ ... وُجِدَ	الْهَرَبِيَّةُ ... النَّجَاحُ	نَامَ ... إِسْتَيَقَظَ
الثِّيَابُ ... الْمَلَابِسُ	الْوَرَى ... النَّاسُ	الثَّمَنُ ... القيمة
صَاحَ ... صَرَخَ	الْحَيَاةُ ... الْمَوْتُ	الشُّرُورُ ... الْفَرَحُ
السَّهْلُ ... الصَّعْبُ	الرَّحْمَةُ ... الشَّفَقَةُ	الْمَهْزُومُ ... الْفَائزُ



## الصُّور الْبَهْلَىتِيَّةُ فِي الْقُرْآنِ الْتَّرَيْمِ

### «وَصْلٌ وَفَصْلٌ»

متکلم بلیغ هنگام سخن گفتن بر دو نکته آگاه است : اولاً، می داند که چه می خواهد بگوید و قصد او از عباراتی که ادا می کند چیست؟ ثانیاً، برخی علوم ادبی را می داند و بعضی مسائل نحوی و بلاغی را می شناسد، آنگاه با رعایت این دو، سخن خود را بر زبان می آورد در چنین حالتی متکلم باید بداند که سخن خود را کجا به عبارت قبل «وصل» کند و در کجا «فصل»<sup>۱</sup>؟

در زبان عربی (برخلاف فارسی) اصل بر این است که جملات، تا آن جا که ممکن است، به وسیله یکی از حروف عاطفه به یکدیگر «متصل» باشند

ولی گاهی به علی‌بلاعی این کار صورت نمی گیرد و بین جملات به جای «وصل» حالت «فصل» برقرار می شود به آیات زیر توجه کنیم :

**﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، إِنَّ مَعَ الْمُسْرِ يُسْرًا﴾**

در این جا جمله دوم به جمله اول «وصل» نشده است، زیرا آیه دوم تأکیدی است برای جمله اول؛ بنابراین نیازی به عطف کردن نداشته است.

علمای بالغت گفتند: البلاغة هي معروفة الفصل والوصل!

**﴿لَا يَحْرُثُكُمْ قَوْلُهُمْ، إِنَّ الْعَرَةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾**

در این جا نیز به خاطر آن که جمله دوم خبریه<sup>۱</sup> است و جمله اول نهی و إنشاء، بدین سبب مناسبتی برای عطف کردن آن‌ها به یک دیگر وجود ندارد.

**﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ، وَإِنَّ الْفُجَارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾**

هر دو جمله خبریه هستند و میانشان از این جهت، تناسب وجود دارد. بدین سبب به وسیله «و» بر یک دیگر عطف شده‌اند.

**﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾**

هر دو جمله إنشائیه هستند (یکی امر و دیگری نهی) از این رو به واسطه «و» بر یک دیگر عطف شده‌اند.

\* \* \*

در آیات ذیل علت «فصل» و «وصل» را مشخص کنید :

**﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الإِنْمَاءِ وَالْعُدُوانِ﴾**

در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید نه در گناه و تجاوز

**﴿أَلَا إِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حُقُّ﴾**

بدانید که هرچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خدادست آگاه باشید که وعده خدا حق است

**﴿وَلَنْ تَنْظُرُ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِعَدٍ وَلَنْ تَعْلَمُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ حَبِّبَ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾**

و هر کس، باید بنگرد که برای فردایش چه فرستاده است و از خدا بترسید که خدا به کارهایی که می کنید آگاه است

۱- جمله یا «خبریه» است و یا «إِنشائیه». جمله‌های انشائیه عبارت‌اند از :امر، نهی، استفهام، ندا و



## في ظال الادعية

إقرأ الدعاء التالي و ترجمه إلى الفارسية :

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النِّسَيَةِ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ  
وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ... وَامْلَأْنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَطَهَّرْ بُطُونَنَا  
مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ... وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ وَتَفَضَّلْ  
عَلَى عُلَمَائِنَا بِالرِّزْهَدِ وَالنَّصِيحَةِ وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ... وَعَلَى  
مَشَايِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ وَعَلَى الشَّبَابِ بِالإِنْابَةِ وَالتَّوْبَةِ وَعَلَى النِّسَاءِ  
بِالْحَيَاةِ وَالْعِفَافِ وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَالسَّعَةِ... وَعَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ  
وَالشَّفَقَةِ... بَقْضِيلَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.  
\*\*\*

السعـة : كـشـادـه دـسـتـي مشـايـخـ: حـمـسيـخـ وـشـيخـ: سـالـ خـورـدـگـانـ

الفـجـورـ: گـناـهـ